

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۴۳۷۰ •
نمبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ •
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ •
چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۲۷ شهریور ۱۴۰۱ • ۲۱ صفر ۱۴۴۴ • ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۲ •
سال بیستم • شماره ۴۳۷۷ • ۱۲ صفحه
اذان ظهرتهران ۱۲:۵۹ • اذان مغرب ۱۹:۲۶
اذان صبح فردا ۵:۲۵ • طلوع آفتاب ۶:۵۰

# شرق

دیالوگ روز

**دورآفاده - رابرت زمبکس - ۲۰۰۰**

جاک (تام هنکس): قرار نبود از اون جزیره بیام بیرون. قرار بود اونجا بمیرم. کاملاً تنها. تنها انتخابی که داشتم این بود که کی، چطور و کجا این اتفاق می افته. پس به طناب درست کردم و رفتم بالای کوه که خودمو دار بزنم. وزن اون کنده، شاخه درخت رو شکست... پس من حتی اون طور که خودم می خواستم هم نمی تونستم خودم رو بکشم... من برا هیج چیز، قدرتی نداشتم. دونستم یه جوری باید زنده بمونم و درحالی که تمام منظم بهم می گفت که دیگه هیچ وقت اینجا رو نمی بینم... پس این کار کردم. من زنده موندم و بعد یک روز، اون منظم کاملاً اشتباه از آب دراومد. چون جریان آب برام به بادبان آورد.

# هزینه سنگین و جبران ناپذیر

خبر درگذشت مهسا امینی دختر ۲۲ساله کُرد پس از بازداشت از سوی گشت ارشاد، افکار عمومی را به شدت جریحه‌دار کرده است.
بروز چنین فاجعه‌ای را چگونه می‌توان توجیه کرد؟ نهادهایی که رفتار خشونت‌آمیز با

جوانانی دارند که در جمهوری اسلامی به دنیا آمده‌اند، در نظام آموزشی رسمی کشور درس خوانده و به‌طور مداوم در معرض برنامه‌های ارشادی صداوسیما قرار داشته‌اند، دنبال کسب چه دستاوردهایی هستند؟ برخی همچنان بر این باورند که آنچه در طی سالیان گذشته انجام شده، ناکافی است و باید ترویج این آموزه‌ها را شدت بخشد.

این افراد حاضر به عبرت‌گرفتن از شکست روش‌های نادرست نیستند و هزینه سنگین و جبران‌ناپذیری را بر جامعه، فرهنگ و امنیت کشور تحمیل می‌کنند.

هنوز فاجعه خودسوزی و مرگ تلخ سحر خدایاری، دختر آبی، در اعتراض به ممنوعیت ورود زنان به ورزشگاه‌ها از یاد نرفته است. سرانجام زنان به

ورزشگاه‌ها راه یافتند؛ ولی هزینه سنگین مرگ این دختر جوان جبران‌ناپذیر است. این‌گونه فاجعه‌ها باید چقدر تکرار شود تا رفتار خشونت‌بار و تحقیرآمیز علیه زنان در سراسر کشور متوقف شود؟
همه‌ساله صدها خانواده ایرانی، برای فرار از رفتار سخت‌گیرانه نسبت به زنان و استفاده از آزادی‌های فردی به کشور مسلمان همسایه ترکیه یا دیگر کشورهای منطقه مانند ارمنستان و گرجستان سفر می‌کنند و بخشی از منابع محدود ارزی کشور را برای این سفرها صرف می‌کنند. با گذشت بیش از ۴۳ سال از انقلاب اسلامی آیا هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی این سخت‌گیری‌ها به‌درستی ارزیابی شده است؟

نتایج نظرسنجی‌های رسمی نشان می‌دهد که بیش از ۵۰ درصد مردم ایران با رفتار خشونت‌بار علیه زنان مخالف‌اند. بسیاری از افسراد مقید به حجاب از خانواده‌های متدین نیز به وضوح مخالفت خود را با این رفتارها و گشت ارشاد بیان کرده‌اند.

رفتار خشونت‌آمیز نیروهای انتظامی با زنان خطرات بسیار تلخی را برای بخشی از جمعیت کشور ایجاد کرده است و همان‌گونه که علی مطهری تأکید

کرد: «این کارها به نفع هیچ‌کس نیست»

## آغاز فعالیت و ثبت‌نام در مدرسه کاربردی علوم ارتباطات «شرق»

**ثبت‌نام در مدرسه «شرق» از تاریخ ۲۰ شهریورماه شروع می‌شود و تا تاریخ نهم مهرماه ادامه دارد.**

**در این مدت هر روز به استثنای روزهای پنجشنبه و تعطیل از ساعت ۱۰ تا ۱۸ ثبت‌نام به عمل خواهد آمد**

مدرسه کاربردی علوم ارتباطات «شرق» نخستین دوره فعالیت خود را آغاز می‌کند. برای دوره نخست کارگاه‌ها وورک‌شاپ‌هایی طراحی شده است که بتوانند هم برای این مدرسه نقطه آغاز مطلوبی را ایجاد کند و هم پیش‌درآمد مناسبی برای آینده مدرسه شرق باشد. در دوره نخست کارگاه‌ها وورک‌شاپ‌های مدنظر در جلسات متناوب و به مدت‌زمان دو یا سه ساعت برگزار می‌شود. سعی بر آن شده است که مدرسان هر کارگاه از میان متخصصان انتخاب شوند که دانش خود را به‌صورت میدانی یا میدانی - آکادمیک فرا گرفته‌اند. برخی از مدرسان، روزنامه‌نگاران «شرق» هستند و سایر مدرسان نیز بعضاً با روزنامه «شرق» و فعالیت‌های آن ارتباط کاری تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند.
کلاس‌ها از هفته سوم مه‌رم‌اه آغاز می‌شود. یک هفته قبل از برگزاری هر کارگاه یا ورک‌شاپ با متقاضیانی که ثبت‌نام کرده‌اند، تماس گرفته می‌شود و زمان دقیق جلسات به آنها اعلام خواهد شد. در کنار آن به هنر جوانان سرفصل‌های آموزشی ورزومه هر مدرس ارائه می‌شود.

برای ثبت‌نام وکسب اطلاعات بیشتر و آگاهی از شهریه‌های هر کارگاه با شماره **۰۲۵-۸۸۹۴۲۰۳۵** و **۰۲۳-۹۱۲۳۰۸۵** تماس حاصل فرمایید.

نام کارگاه	نام مدرس	درباره مدرس	جلسات، حضوری یا آنلاین
روزنامه‌نگاری اقتصادی	دکتر محسن ایلیچی	روزنامه‌نگار و مدرس دانشگاه	۱۲ جلسه / حضوری
تولید بر مبنای حرکت / روزنامه‌نگاری میدانی* (آموزش کاربردی در محل تولید - روزنامه‌نگاری مولد)*	نیلوفر حامدی شهرزاد همتی	گزارش‌نویس شرق دبیر سرویس اجتماعی شرق	۶ جلسه حضوری / میدانی
تکنولوژی و نوآوری در رسانه (شناخت فناوری‌های مدرن ارتباطی)	دکتر نفیسه زارع‌کهن	روزنامه‌نگار و مدرس دانشگاه	۶ جلسه / حضوری
ویدئو ژورنالیسم در اتمسفر ایران	سینا رحیم‌پور	سردبیر شبکه شرق	۸ جلسه / حضوری و آنلاین
صفر تا صد تولید در یک رسانه مولتی مدیا (خبر، گزارش، تصویر و ساخت تصویر ...)	دکتر کنایون مصری	روزنامه‌نگار و مدرس دانشگاه	۸ جلسه / حضوری
روزنامه‌نگاری بحران و بعد از بحران	علی دهقان	سردبیر روزنامه شرق	۳ جلسه / حضوری
روایت‌نویسی و قصه‌پردازی به زبان رسانه	مریم شکرانی	روزنامه‌نگار و فعال تویتری	۳ جلسه / حضوری
تکنیک‌های توییت‌ر نویسی خبری	سجاد فیروزی	دبیر سرویس ورزشی شرق	۵ جلسه / حضوری
روزنامه‌نگاری ورزشی و ضرورت‌های آن	امیرحسین ناصری	دبیر تحریریه شرق	۵ جلسه / حضوری
روابط عمومی پلت فرمی	دکتر حسین امامی	مدرس دانشگاه	۲ جلسه / آنلاین
روابط عمومی تجاری*»	دکتر احمد یحیایی ایله‌ای	مدرس دانشگاه	یک جلسه / حضوری
آموزش کاربردی ایندیزاین و نکات راهبردی فوتوشاپ و ایلوستریتور	علی شهریابی	گرافیس‌ت روزنامه شرق	۱۴ جلسه حضوری / عملیاتی
فیلمسازی و ارتباطات تصویری (در محدوده امکانات)	سعید نپی	مستندساز	۱۰ جلسه حضوری

\* زمان هر جلسه بستگی به کار و تشخیص مدرس دارد (دو کلاس و دودومدرس)

\*\* زمان جلسه چهار ساعت است

نام مدرس	درباره مدرس	ساعت/ حضوری	توضیحات
دکتر کنایون مصری	روزنامه‌نگار و مدرس دانشگاه	یک جلسه / حضوری	زمان جلسه سه ساعت
جلال خوش‌چهره	روزنامه‌نگار پیشگوس	یک جلسه / حضوری	زمان جلسه سه ساعت
علی دهقان	سردبیر روزنامه شرق	یک جلسه / حضوری	زمان جلسه سه ساعت
سینا رحیم‌پور	سردبیر شبکه شرق	یک جلسه / حضوری	زمان جلسه سه ساعت

## شرق



◆ میلیون‌ها نفر از عاشقان و محبان اهل بیت علیه‌السلام از داخل و خارج از عراق خود را به شهر کربلای معلای رسانده‌اند تا در مراسم اربعین حضور یابند. عکس: حسین حاجیپوری/ایرنا

### پنج‌ره شهر

### «مهسا» جان ما است

موضوع مرگ خانم مهسا امینی، دختر من، دختر شما، دختر همه ایران، بسیار غم‌انگیز و تأسف‌آور بود. فرزند این سرزمین که تحت حمایت خاصی نگرده‌ایم، همه و همه مؤید این نکته است که ایجاد ترس و وحشت کرده‌ایم. این ترس و وحشت به تنهایی می‌تواند یک انسان را از بین ببرد، چگونه می‌توانیم پاسخ این فاجعه را بدهیم؟

اگر امنیت که ضرورت زندگی جمعی است از سوی ضابطان امنیت، کادر درمان، مدیران یک کشور و هم‌وطنان یک فرد ایجاد نشود، چگونه انتظار داریم فرد در جامعه زیست کند؟ اعتماد به بی‌اعتمادی تبدیل شده است؛ آنجا که ضابطان و مسئولان باید اعتماد را در جامعه بازتولید کنند، اعتماد را از ریشه می‌زنیم و یک سرمایه ملی را به چالش می‌کشیم و خانواده‌هایی را داغدار می‌کنیم و جان عزیزانشان را از دست می‌دهند.اگر آنجایی که مادری جلوی ون «گشت ارشاد» فریاد می‌زد که دخترم بیمار است، آنجایی که زنی روی زمین کشیده می‌شد، آنجایی که زنی –به نظر می‌رسید نماینده پلیس باشد- موهای دخترِی را می‌کشید تا سوار ماشین «گشت ارشاد» کند، آنجا مدیران و مسئولان متوجه می‌شدند چه خطای بزرگی در حال رخ‌دادن است، ما امروز دچار صمیمیت مرگ دخترمان «مهسا امینی» نبودیم. «مهسا امینی» یکی از دختران این سرزمین است که با مرگش غم زیادی را بر دل ما نشانده است. زبان قاصر است از بیان مرگ یک جوان که آرزوهای زیادی در سر داشت اما ما به‌راحتی آرزوهای او را زیر خاک کردیم. کجای قوانین به ما این اجازه را داده که با این رویکردها و رفتارها جان انسان‌ها را بگیریم؟ آیا حجاب متعارف با حجاب مورد قبول ما تفاوت نکرده؟ آیا لباس متعارف با لباسی که امروز در جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد، تفاوت نکرده است؟ چرا باور نمی‌کنیم کجا هستیم؟ چرا به تفاوت‌های نسلی خود توجه نمی‌کنیم؟ چرا تفاوت‌های نگرشی را مدنظر قرار نمی‌دهیم؟ مگر برای اداره جامعه با خشونت می‌توان مبانی اخلاقی مدنظر را نشر داد؟ هیچ‌کجا خشونت نتوانسته ارهاگر برون‌رفت از آنچه تبدیل به رویه اخلاقی شده است، باشد. خشونت درواقع مخالف و متضاد اعتماد است.

هیچ‌کجای اسلام هم به خشونت اشاره ننده است. من تعجب می‌کنم از مدیران و مسئولان که چگونه می‌توانند با راه‌اندازی «گشت ارشاد»، دختران مسلوب است، دعوت کند؟ مگر نه اینکه آموزش‌ها با ذهن و اندیشه دختران ما هماهنگ نبوده است؟امروز، چرا باید «مهسا» را در خاک بگذاریم؟ مهسا آرزوهای بسیاری داشت. ما چگونه می‌توانیم پاسخ «مهسا»‌های کشورمان را بدهیم؟ واقعاً این چه رویه‌ای است که در کشور ما وجود دارد؟ چرا از این همه تعارض با مردم دست برنمی‌داریم؟ چرا این همه به مردم فشار می‌آوریم؟ معان امور زنان ادعا می‌کند ما «گشت ارشاد» نداریم! پس این فیلم‌ها، این ماشین‌ها چیست؟ آیا ایران آنها با ایرانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، فرق می‌کند؟ چرا جامعه را این‌قدر در التهاب قرار می‌دهیم؟ جامعه‌ای که به دلیل اتفاقات اقتصادی داخلی و فشارهای خارجی که رخ می‌دهد، این‌قدر تحت فشار، فقر، بی‌کاری و تورم قرار دارد. ما همه در برابر مرگ این دختر مسئول هستیم، ما، دولت، پلیس، رسانه‌ها و… «مهسا» جان ماست، دختری که به دلیل رفتارها، رویه‌ها و تصمیم‌های بدون تأمل دچار مرگ می‌شود. آخرین گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس که دو سال پیش منتشر شده، اعلام کرده بود از این رویه‌ها دست بردارید و بگذارید جامعه به حال خودش باقی بماند. طبق آمارگیری‌های ایستا، ۷۰ درصد دختران این شیوه رفتاری درباره حجاب را قبول ندارند. اگر این داده‌ها و مطالعات جامعه‌شناسان را قبول نداریم، پس چه چیزی را می‌پذیریم؟ ما کجای کار هستیم؟ ما در ایرانی ناشناخته زندگی می‌کنیم. خشونت در «ایران»‌مان به اوج رسیده است. زن ایرانی در مرکز پلیس که قرار است در مجلس مرکز امنیت باشد، می‌میرد؛ دلیل این همه اتفاق چیست؟ مگر نه اینکه داریم اعتماد را به این نهاد‌های اعتماد‌زا در جامعه از بین می‌بریم؟ شهر ما بدون اعتماد شهر نیست. کشور ما بدون اعتماد کشور نیست. اگر همان زمان که مردی توسط همین ضابطان در پارک پردیسان پایش کلوله خورد به شکل دیگری رفتاری می‌شد، الان شرایط به شکل دیگری بود. همه باید پاسخ‌گو باشند. جامعه بدون تغییر ساختار قانونی نمی‌تواند با این مسئله کنار بیاید. اظهار تأسف نمایندگان مجلس، اظهار تأسف‌های فردی کافی نیست، رؤسای قوا باید پای این قضیه بایستند.جان یک انسان به‌راحتی از دست رفته است؛ مگر چنین چیزی ممکن است؟ آیا ما نمونه‌هایی داریم که در زمان پیامبر(ص) این‌گونه رفتار می‌شد؟ پیامبر، پیامبر رحمت بوده است، «اسلام» دین رحمت است و به‌صراحت اعلام می‌کند «لااِکراه فی الدین». به چه حقی قانونی مصوب می‌کنید که منجر به این همه فشار و بی‌اعتمادی شود و این چنین ساختار جامعه را دچار لرزش و تنش کند؟ چه کسی پاسخ‌گو است؟ یقیناً مسئولان پاسخ‌گو هستند.